

مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی چیست؟ اگر این سؤال را تا به حال در ذهن داشته‌اید، شاید توانسته باشید که برای آن پاسخ‌هایی بیابید. از سوی دیگر، احتمالاً زبان‌شناسی حقوقی موضوعی است که شما در مورد آن چیزی نشنیده‌اید، اما مایلید در مورد آن بیشتر بدانید.

نام من جان السون است. در طول پانزده سال گذشته و هم‌اکنون نیز تنها زبان‌شناس حقوقی هستم که به صورت تمام وقت در این حوزه فعالیت می‌کنم. این اثر به فعالیت‌های کاری من مربوط می‌شود و تا حدی توضیح می‌دهد که چگونه زبان‌شناسی حقوقی می‌تواند در کشف جرایم کمک کند. پیش از آن که به این موضوع بپردازم، بهتر است درباره پیش‌زمینه آن اطلاعاتی داشته باشیم. اجازه دهید به صورت مختصر در مورد چگونگی پیدایش زبان‌شناسی حقوقی سخن گوئیم.

در سال ۱۹۶۸، زبان‌شناسی سوئدی که در دانشگاه لندن کار می‌کرد، در مورد پرونده‌ای مربوط به چندین سال قبل، اطلاعاتی بدست آورد. پرونده مربوط به قاتل چندین زن و کودک در محله‌ای بدنام در لندن بود. نشانی آنجا تِن ریلینگتن پلیس^۱، واقع در منطقه کنسیگتن^۲ بود. ریلینگتن پلیس آنچنان بدنام شد که مسئولان مجبور شدند پس از تقاضای ساکنان آن، نام آن را به رُستن کِلز^۳ تغییر دهند. با این وجود

1. 10 Rillington Place
2. Kensington
3. Ruston Close

بدنامی آن باقی ماند و در نهایت شورای محله خیابان را به کلی تخریب کردند و به جای آن خانه‌های جدید در دهه ۱۹۷۰ ساخته شد.

مستاجر طبقه همکف در تین ریلینگتن پلیس، فردی به نام جان کریستی^۱ بود. کریستی فردی آرام و حتی خجالتی بود که به ظاهر ازدواج موفقی داشت. در طبقه بالا، تیموتی ایوانز^۲ به اتفاق دختر و همسرش، بریل^۳، زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۴۹، ایوانز ناپدید شد و تحقیقات در مورد مکان زندگی همسر و کودک او آغاز شد. در نوامبر همان سال، ایوانز خود را به پلیس ایالت ولز جنوبی^۴ معرفی کرد، او در این ایالت به همراه دایی خود مرتیر تیدفیل^۵ زندگی می‌کرد. در همین زمان بود که زبان‌شناسی حقوقی مطرح شد زیرا در اعترافات ایوانز مبنی بر ارتکاب جرم، چند جمله وجود داشت. به علت همین جملات و مدارکی که جان کریستی ارائه کرد، ایوانز گناهکار شناخته شد. در سال ۱۹۵۰، ایوانز به اتهام قتل همسر و کودک خود به دار آویخته شد. بعدها، همسر کریستی ناپدید شد و همسایه‌ها در مورد رفتار عجیب کریستی پرسش‌هایی را مطرح کردند. بعد از آن که کریستی از ریلینگتن پلیس نقل مکان کرد، مستاجر دیگری جای او را گرفت. این مستاجر هنگام تعبیه یک قفسه، یک چیز وحشتناک پیدا کرد و آن چیزی نبود جز جسد نیمه برهنه یک زن. هنگامی که پلیس به این مکان رسید، مدارکی از چند قتل دیگر بدست آورد. در نهایت کریستی تحت تعقیب قرار گرفت و پس از محاکمه، کریستی گناهکار شناخته و به دار مجازات آویخته شد. کریستی کمی پیش از مرگ خود به قتل همسر و کودک ایوانز اعتراف کرد. علیرغم درخواست‌های مکرر مبنی بر تحقیق در مورد این ادعاها پیش از اعدام، وزیر کشور درخواست را رد کرد و کریستی در سال ۱۹۵۳ به دار آویخته شد. این جرائم را که کریستی به آن اعتراف کرد و به خاطر آنها نیز ایوانز به دار آویخته شده بود، برای بیش از یک دهه همچنان به ایوانز نسبت می‌دادند تا هنگامی که در دهه ۱۹۶۰

1. John Christie
2. Timothy Evans
3. Beryl
4. South Wales
5. Merthyr Tydfil

روزنامه‌نگاری با نام لودویک کندی^۱ به این پرونده علاقه‌مند شد و جملات اعترافی ایوانز مورد توجه دانشمند سوئدی قرار گرفت که در دانشگاه لندن مشغول به کار بود. جن اسوارتویک^۲ این جملات را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که این اعترافات دارای چند سبک زبانی است. بیشتر این جملات با سبک و سیاق پلیس نوشته شده بود. تحلیل اسوارتویک و پیگیری‌های مداوم کندی باعث شد وزیر کشور محکومیت ایوانز را تغییر دهد و عذرخواهی کند. این مورد احتمالاً اولین قتلی بود که در آن زبان‌شناسی توانست نقش برجسته‌ای ایفا کند. از آنجا که اسوارتویک در گزارش‌های خود از واژه "زبان‌شناسی حقوقی" استفاده کرد، او را به عنوان «پدر» زبان‌شناسی حقوقی می‌شناسند.

در دهه ۱۹۹۰، پرونده درک بنتلی^۳، توجه زبان‌شناسان دانشگاه بیرمنگهام^۴ را به خود جلب کرد. در آن زمان من در دانشگاه بیرمنگهام دانشجوی کارشناسی ارشد و مشغول تحقیقات زبان‌شناسی بودم. برخی ناهماهنگی‌ها که در عبارات منتسب به بنتلی دیده می‌شد، ظاهراً از سوی پلیس پس از ماجرای تیراندازی در یک سرقت دیکته شده بود. در این سرقت که در جنوب لندن رخ داد، پلیس کانستبل سیدنی مایلز^۵ از سوی همدست بنتلی به نام کریس کریگ^۶ مورد تیراندازی قرار گرفت. تعدادی از اعترافات که پیش از این پذیرفته شده بود، مورد تردید قرار گرفت و یکی از اعترافات پس از چند قرار محکومیت نقض شد. نقض این اعتراف تا حد زیادی به علت مدارکی بود که بوسیله ای‌اس‌دی‌ای^۷ ارائه شده بود. ای‌اس‌دی‌ای یک روند الکترونیکی است که دارای چند عنصر به همراه کپی است و اگر چندین کاغذ به هنگام نوشتن از بالا بر روی هم قرار بگیرند، تورفتگی حاشیه برگه‌های کاغذ را نشان می‌دهد.

1. Ludovic Kennedy
 2. Jan Svartvik
 3. Derek Bentley
 4. Birmingham University
 5. Police Constable Sidney Miles
 6. Chris Craig
 7. ESDA

در سال ۱۹۹۴ من "مؤسسه زبان‌شناسی حقوقی"^۱ را در انگلستان تاسیس کردم و از آن زمان تاکنون یکی از کتابخانه‌های مجهز در دنیا محسوب شده است. به همراه همکارانم، تمام انواع نگارش و صحت آنها، تفسیر معانی، زبان مشاجره‌های [بازرگانی] و دیگر فرایندهای حقوقی را بررسی کردم. یکی از پرونده‌های اخیر مربوط به عبارات تروریستی بود که در نیمه دهه ۱۹۸۰ آن را به پلیس پادینگتن گرین^۲ نسبت دادند. از آن زمان من در زمینه زبان‌شناسی حقوقی، نزدیک به ۳۰۰ پرونده تحقیقاتی داشته‌ام. این تحقیقات شامل این موارد است: صحت نامه‌های خودکشی، نامه‌های تهدید به اخاذی، ارزیابی نوارهای بازجویی پلیس برای شناسایی بازجویی‌های خشن (امروزه بسیار نادر است.)، شناسایی مولف در بین صدها نامه، پست الکترونیکی و پیامک در تحقیقات متعدد از قاتل گرفته تا تهدید شاهد، بررسی درباره آزار و اذیت جنسی و موارد محرک غیراخلاقی در اینترنت برای کودکان. من از سوی نیروهای پلیس، مشاوران حقوقی، سازمان و شرکت‌های بین‌المللی مأمور به تحقیق می‌شوم. این مأموریت حتی از سوی موکلان خصوصی است که نامه‌های توهین‌آمیز از افرادی دریافت می‌کنند که شاید در انتهای خیابان محل سکونت آنها زندگی کنند یا حتی همسایه دیوار به دیوار آنها باشند.

در یکی از پرونده‌های اخیر خود از سوی رئیس باشگاه داگ^۳ واقع در نواحی مرکزی آمریکا مأموریت یافتم که در مورد نامه‌های توهین‌آمیز به باشگاه تحقیق کنم که آیا نویسنده‌ی نامه‌ها یکی از اعضای باشگاه است یا خیر. محتمل‌ترین فرد، زن سالخورده‌ای بود که رفتار نسبتاً غیرطبیعی داشت. این زن فداکارانه، مسئولیت‌های اجرایی باشگاه را سال‌ها انجام داده بود، اما او پس از آن که یکی از سگ‌ها نتوانست در اجرای نمایش سالانه جایزه بگیرد، ناامید شده بود. شاید تعجب‌آور باشد اما نامه‌های تهدیدآمیز در بین خانواده‌ها وجود دارد. در یک پرونده، زنی بدخلق به علت موفقیت برادر کوچکترش در زمینه هتلداری بسیار خشمگین شده بود، بنابراین نامه‌ای

1. Forensic Linguistics Institute
2. Paddington Green Police Station
3. dog club

زنده به اتاق بازرگانی نوشت و در آن نه تنها با بدنام کردن وی تلاش‌های او را بی‌اعتبار کرده، بلکه به همسر او نیز توهین کرده بود. او در این نامه برادرش را به نژادپرستی متهم کرده و ادعا کرده بود که اغلب در تعطیلات اواخر هفته، هتل توسط افرادی اداره می‌شود که طرفدار تفوق نژادی سفید پوستان هستند. در پرونده‌ای دیگر، دختر نوجوانی به علت حسادت به ازدواج خواهر خود، سعی کرد او را در برابر همسر آینده‌اش بدنام کند. از سوی دیگر، تمام نامه‌های توهین‌آمیز از سوی اعضای خانواده نیست، به طور مثال در تلاش اخیر خود توانستم مرد میانسالی را شناسایی کنم که در سوءاستفاده جنسی از یک پسر نوجوان ناموفق بود، پس از آن نامه‌ای به والدین این پسر نوشت و او را متهم به آزار و اذیت جنسی کودکان کرد. شاید به همین دلیل بود که پدر خانواده برای حفظ شان خانوادگی، خودکشی کرد.

اگر تا به حال قربانی نامه‌های توهین‌آمیز بوده‌اید، یا نامه‌ای دریافت کردید که در آن به دوست، اقوام یا همکار شما توهین شده باشد، به عنوان خواننده این مطالب باید مواردی را بدانید. در تمام نامه‌های توهین‌آمیز من با اتهاماتی سروکار داشتم که به علت کینه‌توزی بوجود آمده اند، در واقع این اتهامات یک ماجرای کاملاً ساختگی هستند، اما شاهد بوده‌ام که اغلب این اتهامات ساختگی می‌توانند یک زندگی را خراب کنند. زندگی یکی از آشناهای من که تاجر است پس از دریافت چندین نامه تقریباً نابود شد، هرچند او و اطرافیانش می‌دانستند که اتهامات کاملاً دروغ است. تنها بواسطه حمایت شدید خانواده بود که او در نهایت توانست بر این مشکلات فائق آید. مرتکب این جرم هرگز پیدا و دستگیر نشد. شما باید تاثیر این جرم را بر زندگی افراد ببینید تا متوجه شوید که تا چه حد این جرم جدی و خطرناک است. هرگز تصور نکنید که مانند فیلم‌های وحشتناک دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، تمام نویسندگان نامه‌های توهین‌آمیز، زن هستند. در واقع از هرگونه بدخواهی و غرض‌ورزی پرهیزید، در این راه هیچ‌گونه مرز جنسیتی، سنی و اجتماعی شناخته نشده است. من شاهد نامه‌های توهین‌آمیز از نوجوانان کم سن و سال، نجیب‌زادگان مسن، دکترها و پدربزرگ‌های آبرومند بودم. اینترنت باعث شده است که ژانرهای متعددی بوجود آید. هرکسی می‌تواند به راحتی

به آدرس الکترونیکی دست پیدا کند و تحت یک نام مستعار در یک اجتماع عمومی، فرد دیگری را با بی‌شرمانه‌ترین تهمت‌ها بیازارد یا به صورت خصوصی با او درارتباط باشد. علیرغم حضور فناوری، شرکت رویال میل^۱ و دیگر شرکت‌های خدمات پستی در سراسر دنیا هنوز هزاران نامه رسمی را که به صورت سنتی نوشته شده است دریافت می‌کنند، که شاید هرکدام از آنها برای خراب کردن یک زندگی شاد، بی‌اعتبار کردن آبرو یا پراکندن تخم کینه بین همسران علاقه‌مند یا دیگر اعضای خانواده طراحی شده باشند. انگیزه این کار همیشه نفرت نیست، بلکه اغلب ترکیبی از مالالت و درماندگی در پیش‌بینی شکست‌های غیرقابل‌اجتنابی است که می‌تواند رخ دهد.

خوشبختانه، زبان‌شناسی حقوقی تنها به موارد نامه‌های توهین‌آمیز نمی‌پردازد. هر روز با تحقیقی نو و منحصر به فرد روبرو هستیم؛ پدری که نامه‌ای از طرف دخترش دریافت کرده، می‌خواهد بداند که آیا نامه واقعاً متعلق به دخترش است، مادری که نگران است که آیا نوشته‌های دخترش تحت تاثیر گفته‌های خلافکاران است، شرکت بیمه‌ای که سعی می‌کند از بین مشتریان موجود، صدای کلاهبردار را شناسایی کند، کارآگاهی که سعی می‌کند نامه به رمز نوشته شده یک زندانی به همدستش را رمزگشایی کند، زندانی که ادعا می‌کند بیگناه است، مشاور حقوقی که در مورد درخواست موکل خود کار می‌کند، کارمندی که احساس می‌کند رئیسش سعی دارد با گفتن این جمله که او نامه الکترونیکی بدون نامی را دریافت کرده است، برای او پاپوش درست کند. ظاهراً این فهرست پایانی ندارد.

در پانزده سال گذشته، من مشغول این کارها بودم و دست‌کم هزاران متن را که از سوی صدها نویسنده تولید شده بود و به انواع جرائم دلالت می‌کرد، بررسی کردم. در آن زمان، زبان‌شناسی حقوقی رشته‌ای حاشیه‌ای بود که افراد کمی، تنها به فعالیتی شناخته شده و بین‌المللی از این حوزه علاقه‌مند بودند که می‌توانست به اجرای قانون و حرفه حقوق خدمت کند. در این کتاب، جزئیات چند پرونده از پرونده‌های متعددی که بر روی آنها کار کرده‌ام را نشان می‌دهم. تا آنجا که میسر باشد از عنوان کردن نام

قربانیان، محل سکونت آنها یا شغل فعلی یا قبلی ایشان اجتناب می‌شود. در برخی موارد نیز نمی‌توانم نام مجرمان و نوع جرم آنها را بازگو کنم. متأسفانه، برخی از پرونده‌ها بسیار شناخته شده است و نمی‌توان نامی را تغییر داد یا چیزی را پنهان کرد، و خواننده‌ای که اخبار روز را پیگیری می‌کند به راحتی می‌تواند این پرونده‌ها را شناسایی کند. برخی از پرونده‌ها بسیار جدید هستند و نمی‌توان آنها را نوشت، اما امیدوارم در آینده‌ای، نزدیک هنگامی که این حوادث و جرائم در اذهان کمرنگ شود، بتوان به آنها ارجاع کرد.

امیدوارم که این کتاب با ارائه بسیاری از سرگذشت‌ها که عمده‌ی آنها مربوط به افراد عامی بوده است که بدون داشتن هیچ فرصتی با شرایط غیرعادی روبرو شدند، بتواند قدرت تحلیل زبان را در کشف جرم نشان دهد. در این کتاب همواره سعی کرده‌ام سرگذشت افراد را در قالب روایت‌های ساده، به صورت واقعی و صریح بیان کنم. هدف من گفتن قصه قشنگ نیست، بلکه درصدم نشان دهم که چقدر زبان پیچیده و جالب است و چقدر یک منبع می‌تواند به هنگام ورود در حوزه‌ی قانون قدرتمند باشد. اگر این داستان‌ها جذاب و خواندنی هستند، امیدوارم هرگز با این دید به آن نگرسته نشود که اهمیت آن کم است یا نشان دادن غم‌انگیز بودن حوادث آن که هدف این کتاب است کمرنگ جلوه کند. من همواره در مورد این واقعیت هوشیار بودم که این اثر بیش از همه در مورد افراد است نه فقط زبان، بنابراین در طول این سال‌ها به این مورد هم به عنوان یک فرصت و هم به عنوان یک مسئولیت نگاه کرده‌ام.

زبان‌شناسی حقوقی به عنوان ابزاری به صحنه آمد که بتواند عدم توفیق در اجرای عدالت را مرتفع کند. این علم، در دادگاه‌ها روز به روز نقش فعال‌تری ایفا می‌کند. نظام حقوق مدنی که در کشورهای انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند در هزاره اخیر رشد کرده است، علیرغم وجود برخی ایرادها در طی سال‌ها، باید از سوی مردمان این کشورها گرامی داشته شود. به همین دلیل است که علم حقوق بسیار مهم است. در عصری که تضییع حقوق شهروندی و آزادی‌ها موضوعی است که بار دیگر برای تحریک احساسات مطرح شده است، علم حقوق به عنوان یکی از حامیان عدالت و

آزادی شناخته می‌شود. با آن که تنها چهل سال از عمر زبان‌شناسی حقوقی می‌گذرد، این علم هم‌اکنون بسیار مهم است و من معتقدم در این فرایند مؤلفه‌ای ماندگار خواهد بود.